

سیر تطور تاریخی تشیع در مراکش

علی آدمی^۱
حسن احمدی^۲
محمد دهقانی^۳

چکیده

با افزایش کرسی‌های شیعه‌شناسی در محافل علمی و دانشگاهی، اهمیت مطالعه پیرامون این آیین، دوچندان شده است؛ به‌ویژه طی دهه‌های اخیر و پس از انقلاب اسلامی در ایران و هویدا گشتن ظرفیت‌های بالقوه موجود در تشیع، پژوهش‌های بی‌شماری به این موضوع اختصاص یافته است. در این پرتو، پژوهش حاضر در نظر دارد با رویکرد توصیفی (روش) و از رهگذر گفتمان‌های موجود در باره وضعیت شیعیان و مسائل سیاسی - اجتماعی آنها، به مطالعه یک جمعیت بالقوه فعال شیعی در کشور تاریخی مراکش (مغرب عربی) بپردازد و به این پرسش اساسی پاسخ گوید که سیر تطور تاریخی تشیع در این کشور تاریخی، چگونه بوده است؟ پس از بررسی سابقه تشیع و چگونگی تأسیس دولت شیعی ادریسیان در این کشور در سال ۱۷۲ق، به وضعیت شیعیان در مغرب معاصر پرداخته شده و به گونه‌ای ملموس و با ذکر نمادهای امروزی و عرضه فعالیت‌های اجتماعی، اثبات گردید که آموزه‌های شیعی، بخش عمده‌ای از فرهنگ شفاهی مردم این کشور را تشکیل می‌دهد. پس از آن، عوامل ترویج تشیع در این کشور

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان: Hab9113@gmail.com

۳. دانشجوی دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم: Mdehqan23@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۰

در قالب ۵ محور، یعنی: دولت ادریسیان، انقلاب اسلامی ایران، شبکه‌های نوین ارتباطی، مستبصران مغربی و فعالیت مؤسسات فرهنگی، مورد بررسی قرار گرفته و در انتها، آینده شیعیان در پرتو فعالیت‌های آنان و تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است.

واژگان کلیدی

ادریسیان، تشیع، انقلاب اسلامی، مغرب، اهل بیت (علیهم‌السلام).

مقدمه

امروزه مطالعه ادیان و مذاهب، در زمره برنامه‌های ثابت محافل و آکادمی‌های علمی معتبر قرار گرفته و اندیشمندان دینی با استناد به جهانی‌شدن و ظرفیت‌سازی‌های آن، هر دین، مذهب و مسلکی را بالقوه دارای قابلیت جهانی‌شدن می‌دانند. تشیع که آرمانی جهانی برای خود قائل است، بالطبع از این قاعده مستثنا نیست. تشیع از ابتدا تاکنون، با وجود محدودیت‌های ایجادشده برای ترویج آن، به جهت ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی، پویایی و محتوای غنی مستتر در آن، همواره در جوامع متعدد مورد پذیرش و استقبال نخبگان آیین‌های مختلف بوده است.

پس از انقلاب اسلامی در ایران، تشیع بازیابی هویتی نوینی پیدا کرد و دیگر شیعه دین حاشیه‌گرای دیروزی نبود؛ بلکه وارد متن شده بود و دیگر یک فرد شیعی بدون واژه و خجالتی و بلکه با افتخار خود را شیعه می‌نامید. محافل آکادمیک نیز به تبع این حادثه بزرگ، کرسی‌هایی را تحت عنوان شیعه‌شناسی در مراکز خود دایر و به پژوهش پیرامون آن پرداختند. مطالعه مسائل سیاسی - اجتماعی شیعیان علاوه بر اهمیت برای مجامع علمی، برای خود شیعیان نیز که پیش از این فاقد ارتباط ارگانیک بودند، اکنون اهمیت داشته و دارد. از این‌رو، متن حاضر با اهداف مذکور در صدد مطالعه یکی از کشورهای مهم اسلامی و شیعیان ساکن در آن، یعنی مغرب (مراکش) در قاره کهن آفریقا می‌باشد. این کشور با جمعیتی حدود ۳۲ میلیون و وسعتی معادل ۴۴۶'۵۵۰ کیلومتر مربع در شمال غربی آفریقا قرار دارد. پایتخت آن رباط، از شمال به جبل الطارق و دریای مدیترانه، از شرق با الجزایر، از غرب با اقیانوس اطلس، از جنوب با موریتانی و از شمال با دریای مدیترانه همسایه است. (www.cia.gov/library/publications/the-world) این پژوهش با روشی توصیفی - تاریخی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای در جمع‌آوری

داده‌ها، در صدد پاسخ به این سؤال است که با توجه به سابقه تاریخی کشور مراکش و اهمیت آن به عنوان مکان شکل‌گیری اولین حکومت شیعی در شمال آفریقا، سیر تطور تاریخی این آیین در مراکش چیست؟ و چه عواملی سبب گسترش و رواج آیین تشیع در این کشور شده است؟ در این راستا، مقاله حاضر، پس از بیان توصیفی تاریخچه شیعه در مغرب، وضعیت شیعیان در دوران معاصر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و تحولات اخیر دنیای عرب، علل و عوامل گسترش تشیع را به تحلیل می‌نشیند.

سابقه تشیع در مغرب

حدود ۹ سال پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسکندریه به دست اعراب فتح شد. (۶۴۱ میلادی / ۲۱ هجری) کمی بعد، عمرو عاص برای دفاع از جناح غربی متصرفات خود، برقه را گرفت. پس از تاخت و تاز اعراب در کوار و تریپولی، تحت فرماندهی عقبه بن نافع بر افریقیه (تونس و الجزایر شرقی) مستولی شدند و تا آخرین حد مغرب (سوس) نیز نفوذ کردند. اسلام در مغرب خیلی زود در هیئت فرقه خوارج (ابتدا صفریه و سپس اباضیه) ریشه کرد. (ام کوک، ۱۳۷۳: ۴۹)

تشیع نیز در شمال آفریقا سابقه‌ای دیرینه دارد. در اواخر قرن هشتم میلادی ادریسیان و در قرن دهم فاطمیان، تشیع را در این منطقه که شامل مغرب، مصر و خاور نزدیک می‌شود، گستراندند و امروز نیز عده‌ای از مردم کشورهای شمال آفریقا مثل: مغرب، مصر، الجزایر، لیبی و تونس به اصول و اعتقادات آن پایبند هستند. در متون کهن، مغرب، کشورهای مراکش، الجزایر، تونس و حتی گاه اندلس یا اسپانیای اسلامی را شامل می‌شده است؛ به عبارت دیگر، این بخش از آفریقا را به مغرب اقصی، اوسط و ادنی تقسیم می‌کردند. مغرب اقصی، همان کشوری است که امروزه به نام مراکش شناخته می‌شود و تمرکز پژوهش حاضر نیز بر این کشور است. مغرب اوسط، الجزایر است و مغرب ادنی، تونس و افریقیه می‌باشد.

قبل از کندوکاو تشیع در مراکش، ضروری است دولت ادریسیان را به عنوان نخستین عوامل ترویج‌دهنده تشیع در این منطقه مورد بررسی قرار دهیم. قبل از ادریسیان نیز تلاش‌هایی برای استقرار دولت شیعی در نزدیکی آن محل جغرافیایی صورت گرفت؛ مثل: قیام شقیابن عبدالواحد مکناسی در منطقه شنتبریه، قیام عبدالله بن سعید بن عمار بن یاسر و قیام حسین بن یحیی بن سعد بن عباد خزرچی که اولی در بین بربرها و دومی و سومی در میان اعراب اندلسی صورت گرفت؛ ولی هیچ‌یک موفق نبودند. (مکی و عمر موسی، ۱۳۷۶: ۱۷)

تشیع در مغرب معاصر

ادریسیان که نخستین حکومت شیعی مستقل از نظام خلافت سنی مذهب را پایه‌ریزی کرده بودند، موجب شدند تا مردم از دربار حکومت امویان در آندلس گریخته، به سوی دولت شیعی ادریسیان روی آوردند. در واقع، ادریسیان کانون جذب محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) در مغرب اقصی بودند و نفوذ و محبوبیت و عملکرد آنها، زمینه مساعدی را فراهم کرد تا هر بذری که بوی تشیع اهل بیت داشته باشد، بتواند در آنجا رشد کند که به موازات گسترش تشیع، زبان عربی نیز در میان بربرها انتشار یافت. (<http://thesis.ui.ac.ir/abstracts/itr/tweive242.htm>) پس از ادريس نیز برای اینکه همواره حکومت‌های اسلامی در این کشور مستقر بوده، تشیع در این کشور رنگ نیاخت و داعیان اسماعیلی یمن، آزادانه فعالیت‌های تبلیغی خود را استمرار دادند. بعد از آن، طی یک دوره بلندمدت و پس از حکومت‌های: مغراویان، المرابطون، الموحدون، المرینیون، الوطاسیون و السعدیون، دولت علویان بر سر کار آمده که هنوز بر این کشور حکمرانی می‌کند و شیعیان این کشور نیز با وجود محدودیت‌های اتخاذشده هنوز آیین و رسوم خود را پاس می‌دارند. در گزارشی تحت عنوان «طنجه پایتخت شیعه» که جریده الصباح مراکش در ۵ دسامبر ۲۰۱۴ علیه شیعیان نوشته، به‌وضوح به انجام مراسم مذهبی از جمله مراسم روز عاشورا در طنجه اشاره کرده و حمایت آنها به همراه حزب الله لبنان از دولت بشار اسد را نوعی افراط‌گرایی نامیده است (www.assabah.ma/76071.html) که حاکی از پاسداشت آیین و رسوم خود دارد و یا به جهت حمله آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم، رهبر نهضت مردم بحرین و یا حمله آل سعود به شیعیان عوامیه در منطقه الشرقیه شیعیان مراکش، با تبلیغات گسترده در پایگاه‌های خبری خود، همراهی خویش را با شیعیان اعلام نمودند. ([www.al-](http://www.al-3itra.ahlamontada.net/login)

فرهنگ شیعی در مغرب، به دلیل پیشینه تاریخی در عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مردم این کشور رسوخ کرده است؛ به گونه‌ای که جلوه‌های زیادی از آداب، رسوم و فرهنگ مردم مغرب معاصر از اعتقادات شیعی نشئت می‌گیرد. گاهی مردم از منشأ فرهنگ خود آگاهی ندارند؛ ولی امروزه همچنان آموزه‌های شیعی بخش عمده‌ای از فرهنگ شفاهی مردم این کشور را تشکیل می‌دهد.

شیعیان این کشور، امروزه به دلیل محدودیت‌ها و تنگناهای اعمال شده از طرف حکومت، عمدتاً در تقیه به سر می‌برند. (الشراط، ۰۹ أغسطس ۲۰۱۱: ۲) عده زیادی از آنها در اثر فشارهای وارده، به کشورهای اروپایی از جمله: بلژیک، هلند و اسپانیا مهاجرت کرده‌اند و آن گونه که در

یکی از نشریات معتبر مراکش آمده، تنها بین ۵ تا ۷ هزار نفر از آنها در بلژیک زندگی می‌کنند (www.hespress.com) که غالباً از مستبصرینی می‌باشند که تحت تأثیر کتب دکتر تیجانی و علامه شرف‌الدین و آموزه‌های انقلاب اسلامی شیعه شده‌اند. آنها در بلژیک فعالیت‌های فرهنگی قابل توجهی در مساجد مسلمانان، به‌خصوص مسجد الرحمن بروکسل دارند و در دیگر مساجد و مراکز فرهنگی بروکسل مانند: مسجد المهدی، مرکز اسلامی امام رضا رضی الله عنه و جمعیه الثقلین، در کنار شیعیان عراق، لبنان و ایران به فعالیت می‌پردازند.

شیعیان مغرب عمدتاً در شهرهای: مکناس، طنجه، رباط، آگادیر، وجده، تطوان، الناضور، الحسیمه، ویلی و فاس ساکن هستند و فعالیت‌های تبلیغی خود را انجام می‌دهند. جمعیت آنها را بیش از هفتصد هزار نفر تخمین می‌زنند و این، علاوه بر جمعیت غالبی است که در تقیه به سر می‌برند. شیعیان این کشور با جامعه شیعی عرب، به‌خصوص شیعیان لبنان، عراق و بحرین تعامل دارند و آن گونه که ادريس هانی، رهبر شیعیان مراکش، در مصاحبه با مجله «مارود هبدو» ابراز داشت، در تلاش برای تشکیل انجمن اسلامی شیعه هستند. (مؤسسه شیعه‌شناسی، ش ۳۴، شهریور ۱۳۸۷)

شیعیان مغرب، در داخل کشور از مسجد یا حسینیه برخوردار نیستند؛ اما با پافشاری موفق به راه‌اندازی نخستین نشریه شیعی این کشور، یعنی نشریه «روئ معاصره» شدند. (جریده مغرس، رؤی معاصره»، أول جریده شیعیه بالمغرب، ۲۰۰۸/۰۷/۲۴) اکنون عده زیادی از شیعیان این کشور در زندان‌های حکومت به سر می‌برند و دو سال قبل، دولت مغرب برای مقابله با آنچه تهدید بنیادهای مذهبی و اخلاقی جامعه خواند، اعلام نمود که با شیعیان و همجنس‌گراها برخورد می‌کند. (The Daily Star , March 25, 2009)

دولت مغرب در سال ۲۰۰۹م. به بهانه اصلاحات مذهبی، محدودیت‌های فراوانی را برای شیعیان خود، به‌ویژه در محیط‌های علمی ایجاد کرد و در همان سال، مدرسه‌ای به نام مدرسه تکمیلی عراقی را که سی سال سابقه فعالیت در این کشور داشت، در شهر رباط تعطیل کرد و شیعی بودن متولیان مدرسه و تدریس در آن به شیوه‌هایی خلاف آیین آموزش کشور را، از جمله دلایل تعطیلی این مدرسه اعلام نمود.

وزارت کشور مراکش، در همان سال در اقدامی بی‌سابقه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: دولت در پی آن است که با قاطعیت با هرگونه اقدامات منافی ارزش‌های اجتماعی جامعه مقابله کرده، با نشریات و کتاب‌ها و مطبوعات شیعی برخورد کند. بر این اساس، عرضه کتاب‌ها، مجلات فرهنگی شیعی و حتی برخی از کتاب‌های مراجع تقلید شیعه در کتابخانه‌های بزرگ مغرب ممنوع شد. همچنین، ضمن نظارت بر کتابخانه‌های عمومی، تمام کتاب‌های مرتبط به اندیشه‌های شیعی،

ایران و حزب الله لبنان را مصادره کرد تا به این وسیله، با همه منابع نفوذ تشیع در مغرب مبارزه نماید و ثبات مذهبی در این کشور را تضمین کند. (بی‌نا، مؤسسه شیعه‌شناسی، فروردین ۱۳۸۸، ش ۴۱)

شیعیان مغرب با این مشکلات و تنگناها دست‌وپنجه نرم می‌کنند و گاه دولت آنها را صرفاً به جهت اعتقاداتشان بازداشت و فعالیت آنان در مجامع علمی و رسانه‌ای را ممنوع می‌نماید. دولت مراکش از آنها و گسترش تشیع، به عنوان خطر یاد می‌کند و با همه مظاهر شیعی در این کشور برخورد می‌نماید.

جغرافیا و ژئوپلیتیک شیعیان مغرب

شهرهای محل سکونت شیعیان مراکش مانند: مکناس، طنجه، رباط، اگادیر، وجده، تطوان، الناصور، الحسیمه، ولیلی و فاس، عمدتاً در مناطق حساس و استراتژیک این کشور و شمال آفریقا واقع شده‌اند؛ برای مثال، شهر طنجه و اگادیر که شیعیان زیادی را در خود جای داده، در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارند. یا شهرهای تطوان و الحسیمه نیز که جمعیت شیعی قابل توجهی دارند، در حوزه جنوبی دریای مدیترانه و جنوب تنگه جبل الطارق و نزدیک به اروپا (نزدیک‌ترین کشور آفریقایی به اروپا) واقع شده‌اند. همچنین، موقعیت توریستی طنجه، ناصور و اگادیر و موقعیت بندری طنجه (به عنوان شهرهای مهم شیعی)، می‌تواند در ژئوپلیتیک شیعیان از اهمیت شایانی برخوردار باشد؛ چراکه موقعیت و پراکندگی جغرافیایی شیعیان و اهمیت ژئوپلیتیکی مناطق جغرافیایی آنان، می‌تواند در ایجاد فرصت برای این جمعیت بالقوه، نقشی اساسی داشته باشند.

در باره آمار جمعیت شیعیان مراکش نیز نظریات متفاوتی وجود دارد؛ یعنی در حالی که طبق آمار «مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)» شیعیان مراکش در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۶۰۷,۸۶۰ نفر، یعنی ۲ درصد از جمعیت مراکش بودند (www.ahl-ul-...) (bayt.org/fa.php/page,html5164a4674)، آمار انجمن دین و زندگی اجتماعی «مؤسسه PEW»، شیعیان مراکش را در سال ۲۰۰۹ حدود ۳۱۰,۰۰۰ نفر (www.ahl-ul-bayt.org/fa.php/page,html4674a5164) یعنی چیزی حدود ۱ درصد جمعیت این کشور اعلام نمود. البته با توجه به آمارهای دیگر مراکز شیعی، مانند دائرة المعارف الحسینیة، جمعیت شیعیان مراکش بیش از ۲,۹۷ درصد، یعنی حدود ۹۰۰,۰۰۰ نفر می‌باشد (www.islam4u.com.almojib_show.php?rid=796) که جمعیت قابل توجهی در منطقه استراتژیک شمال آفریقا و این، علاوه بر جمعیت زیادی می‌باشد که به دلیل

فشارهای حکومت در تقیه به سر می‌برند.

نمادهای شیعی در مغرب امروز

در مغرب امروزی، اگرچه حاکمیت تمام تلاش خود را برای محو نمادهای شیعی به کار گرفته، اما هنوز این نمادها به صورت پررنگ در جامعه وجود دارد. در فرهنگ عمومی و در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌های ادبی و ادبیات شفاهی و گاه مکتوب این کشور، شخصیت حضرت علی علیه السلام و اهل‌بیت علیهم السلام شخصیتی محوری هستند. شجاعت و قهرمانی‌های حضرت علی علیه السلام، زبان‌زد مردم این کشور است. در مدایح و قصیده‌ها، محبت به اهل‌بیت نمودار است و در کنار درها، تصویر کف دست وجود دارد که نماد پنج تن آل عبا (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) است. خانواده‌ها فرزندان دو قلوی خود را حسن و حسین می‌نامند و علاقه و عشق به اهل‌بیت، یک فخر به حساب می‌آید. (غریب‌پور، ۱۳۸۴: ۲) این احترام به اهل‌بیت، در فرهنگ آنان ریشه دارد؛ چراکه مردم این کشور بعد از فتح اسلامی، نخستین بار با رهبری عادل از اهل‌بیت روبه‌رو و تابع او شدند و البته این موضوع، بر خلیفه وقت عباسی گران آمد. (سخاوتی، ۱۳۸۹: ۳۶)

سادات، در مغرب از احترام خاصی برخوردارند و مردم به آنان «آقا» و به زن‌هایشان «بی‌بی» می‌گویند. تعداد نفوس سادات علوی در مغرب اقصی، چنان زیاد است که شاید متجاوز از یک میلیون تن باشند؛ زیرا از اواخر قرن دوم که ادريس در مغرب قیام کرد و سلسله اداره را تشکیل داد، سادات فراوانی از نسل او و برادرش یحیی، در این کشور پدید آمدند که نسل اندر نسل، همچنان استمرار حیات داده‌اند. یکی از اندیشمندان در این زمینه می‌گوید: «من ۲۳ سال پیش به آنجا رفتم. در نماز جمعه رسمی دولتی شرکت کردم که خطیب جمعه پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر و آل و اصحاب و خلفای راشدین، گفت: "و علی ابنته فاطمة الزهراء و علی أمها خدیجة الكبرى و علی ابניה الحسن و الحسين رضی الله عنهم." و این، در دیگر کشورها مرسوم نیست.» (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۰)

هنوز تبرک جستن به نام امام علی علیه السلام و انتشار ترانه‌های محلی، از تأثیرات فرهنگ شیعی و ایرانی در مغرب است. اسامی زیادی از مردم این کشور، به نام ائمه معصومین می‌باشد و در هیچ خانه‌ای نیست، مگر آنکه نام و القاب فاطمه زهرا علیها السلام در آن یافت می‌شود؛ به طور مثال، در منطقه سوس نام حسین به‌فراوانی وجود دارد. زیارت قبر امام حسین علیه السلام در کربلا، یک ادب قدیمی مغربی به حساب می‌آید و گاهی عرفا و بزرگان مغرب به قصد برآوردن حوایج، به این سرزمین مقدس می‌روند. علاقه محمد خامس، پدر ملک حسن ثانی، به حضرت امام حسین علیه السلام و التجای او به قبور ائمه معصومین علیهم السلام در عتبات عالیات و در زمان‌های تبعید و بروز مشکلات،

از مسائل مشهور، و در عین حال، نشان‌دهنده احترام و اعتقاد مردم این کشور به ائمه اطهار می‌باشد.

هرساله با فرارسیدن ماه محرم، چهره زندگی در این کشور تغییر می‌کند. مردم از مجالس لهو و لعب دوری و طبق یک رسم قدیمی، به محاسبه نفس می‌پردازند و زکات اموال خود را می‌پردازند، آوازهای محلی رنگ حزن و اندوه می‌گیرد، مردم حنا نمی‌بندند و خود را زینت نمی‌کنند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۵۳)، عروسی، خرید وسایل زینتی در این ماه بدیمن شمرده می‌شود و مدایحی در اوصاف پیامبر ﷺ و حضرت علیؑ خوانده می‌شود؛ بدون اینکه مردم از منشأ و ریشه تاریخی آن مطلع باشند.

در این کشور، روز عاشورا را روز «مشهود» می‌نامند و در این روز، ثروتمندان سفره انداخته و مردم روزه می‌گیرند و عقیده دارند که هر مؤمنی در این روز اشکی از چشمانش خواهد ریخت و آن را نشانه هم‌مسلمکی با شهید اهل بیتؑ می‌شمرند و اشراف خاندان علوی، دهه نخست محرم را به عزاداری می‌پردازند. در پایتخت ادریسیان، شهر فاس نیز بر مزار ادریس مراسم خاصی برگزار می‌شود. (السعدانی، ۱۳۵۰: ۱۸۵ تا ۱۹۳)

اهل مغرب در ماه محرم، لباس عزا که لباس سفید است، می‌پوشند و طایفه علوی از روز اول محرم تا دهم محرم، این مراسم را اجرا می‌کنند و باقی اشخاص محترم و شریف، آن را تا آخر ماه ادامه می‌دهند. در روز شهادت، خوراکی برای تصدق می‌پزند و طبقه تجار، این مناسبت را برای بذل مال قرار داده‌اند. این روز در سال، روز دادن زکات است و گویا این اشاره‌ای است به محاسبه اعمال؛ اما مردم دیگر در این روز، از خوردن غذا خودداری می‌کنند و حزن و اندوه غالباً از آنان جدا نمی‌شود؛ به طوری که معتقد هستند انسان در روز عاشورا تصادفاً یا بی‌حساب گریه نمی‌کند؛ بلکه گریه‌کنندگان را می‌بینی که به واسطه آن اشک‌های گران‌قیمت که از ناراحتی فقدان شهید راه حق ریخته می‌شود، سعادت‌مند می‌گردند. اطفال و کودکان، این یادبود حسینی را به شکل بازی اجرا می‌کنند: کوزه‌های کوچک آب، از طرف بزرگان به آنان داده می‌شود و این، رمز و اشاره به آن تشنگی است که با همان تشنگی حضرت درگذشت؛ ولی بزرگ‌ترین چیزی که توجه انسان را به خود جلب می‌کند، منظره مراثی تمثیلی و شبیه در آوردن است که هر سال در مراکزی در شهر مکناس و فاس و مراکش برگزار می‌شود.

(<http://sarallah.valiasr-aj.net/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=>)

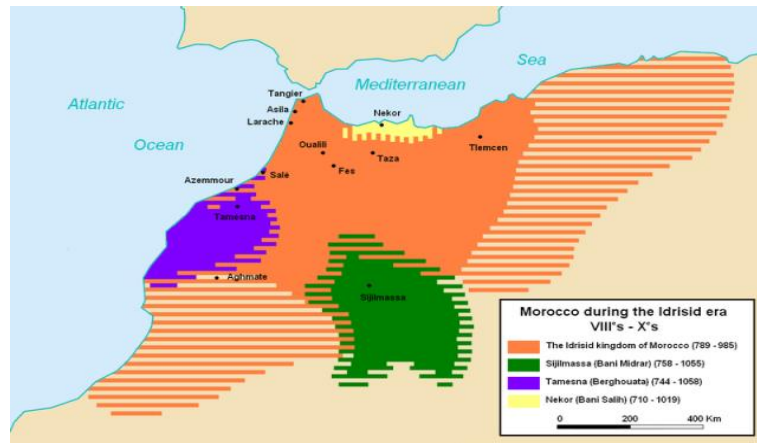
از دیگر مسائلی که باید به آن اشاره نمود، قرابت فرهنگی مغرب با ایران است که این موضوع نیز نمادهای شیعی را در جامعه مغرب وسعت بخشیده است. به دلیل مهاجرت گروهی از اهالی خراسان، فارس، کرمان و بنادر خلیج فارس و همچنین، استفاده از کتب پزشکی ابن‌سینا و

دیگر دانشمندان ایرانی و نزدیکی فرهنگی ادریسیان به فرهنگ ایرانی، اکنون میزان استعمال لغات فارسی در متون پزشکی این کشور، فراوان است و سبک معماری ایرانی در شهر فاس، پایتخت ادریسیان، هنوز قابل مشاهده است.

عوامل ترویج تشیع در مغرب

۱. دولت ادریسیان

ادریسیان، اولین حکومت شیعی بودند که نظام سیاسی - اجتماعی خود را مستقل از نظام خلافت اهل تسنن پایه‌ریزی کردند. این دولت به وسیله ادریس بن عبدالله بن حسن بن علی علیه السلام در سال ۱۷۲ هجری ایجاد شد و با وجود مشی زیدی - معتزلی، یک دولت شیعی به حساب می‌آید. (عباس نصرالله، ۱۹۸۷: ۷۶-۷۷) ادریس، مدتی را به عنوان داعی برای محمد، نفس زکیه، در تلمسان حضور داشت. (محمود اسماعیل، ۱۳۸۳: ۴۷) پس از فشارهای خلفای عباسی بر علویان، عده‌ای از آنها از جمله ادریس، به گرد حسین بن علی بن حسن که از علویان شجاع بود، جمع شدند و ضمن بیعت با وی، مقدمات قیام بر ضد خلیفه عباسی را فراهم آوردند؛ اما حسین بن علی بن حسن پس از مراسم حج همان سال، در درگیری در منطقه‌ای به نام فح (۱۶۹ هجری) در بین مکه و مدینه، از خلفای سپاه عباسی شکست خورد و تنها دو تن از یارانش از این واقعه جان سالم به در بردند؛ یکی از آنها، ادریس بن عبدالله بود که به همراه غلامش راشد به شمال آفریقا رفت. (ابن واضح یعقوبی، ۱۳۸۲: ۴۰۷) ادریس ابتدا به مصر رفت و در آنجا متصدی عامل واضح، برید مصر گردید که از موالیان صالح بن منصور و شیعه بود. وی ادریس را به همراه برید به مغرب فرستاد (ابن خلدون: ۳۲۷) و او در طنجه با تبلیغات، زمینه حکومت خود را فراهم نمود. گفته می‌شود شهر فاس را ادریس تأسیس کرد و آنجا را به عنوان پایتخت حکومت برگزید و سپس، اقدامات تبلیغی خود را وسعت بخشید؛ به گونه‌ای که بیشتر ساکنان مغرب الاقصی، به دست وی اسلام آوردند. هدف بعدی ادریس، شهر تلمسان در مغرب الأوسط بود که بدون جنگ تسلیم ادریس شد و این منطقه، در سال ۱۷۴ هجری اسلام شیعی را به عنوان مذهب خود پذیرفتند. (ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۲۶۴)



حکومت ادرسیان و همسایگان

ادرسیان که حکمرانی‌شان نزدیک به دو قرن (۷۸۸ تا ۹۸۵ م/ ۱۷۲ تا ۳۷۵ ق) تداوم داشت، از همان ابتدا که وارد مغرب شدند، مورد استقبال قبایل بربر قرار گرفتند و توانستند با وجود نفوذ خوارج، عقاید شیعی را رواج دهند. اگرچه برخی مورخان رواج باورهای شیعی توسط ادرسیان را ضعیف می‌دانند، اما آداب، سنن و رسوم مذهبی کنونی در مغرب، حاکی از عمق نفوذ باورهای شیعی در بین مردم این کشور است.

سکه‌هایی که در دوره بعد از دولت ادرسیان به دست آمده، تأکید بر امامت و فضیلت امام علی علیه السلام داشته است و این عبارت بر آن نقش بسته است: «علی خیر الناس بعد النبی کره من کره و رضی من رضی». امیران بعدی این دولت، مانند حسن بن قاسم، آخرین امیر ادرسی، تشیع خود را علنی نمودند و نیز بازماندگان ادرسیان در اندلس، یعنی بنی حمود، به تبلیغ علنی مذهب شیعه مبادرت کردند. (ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۲۶۴)

حکومتی را که ادريس پایه‌گذاری کرد، با وجود توطئه‌چینی عباسیان و بنی اغلب، به حیات خود ادامه داد و پس از آنکه ادريس در سال ۱۷۷ هـ ق بر اثر مسمومیت ناشی از این توطئه‌ها درگذشت. امور حکومتی به غلامش، راشد رسید؛ تا اینکه ادريس دوم، به سن یازده سالگی رسید و به جانشینی پدر نایل آمد. آنها ابتدا شهر ولیلی و از سال ۱۹۲ هـ ق شهر فاس را به پایتختی برگزیدند و اهمیت امروزی فاس نیز مرهون آن قدمت می‌باشد. ادرسیان در اثر فشار فاطمیان مصر، فاطمیان و امویان اندلس و خوارج، از بین رفتند (شهیدی پاک، ۱۳۸۹: ۲۱۵)؛ ولی دوباره در

سال ۳۳۶ هجری قمری به عنوان دولت، بلکه به عنوان والیان بنی‌امیه اسپانیا، بر منطقه فرمانروایی کردند. در سال ۳۴۶ هجری قمری امویان اسپانیا حسن بن کنون، آخرین فرمانروای ادریسیان را اسیر نمودند و او را به قرطبه انتقال دادند و به این ترتیب، پس از دو سده فرمانروایی، دودمان حکومت ادریس از بین رفت؛ اما نسلی از آنها بر اثر این فشارها به اندلس رفتند و دولت مستعجل حمودی را در سال ۴۰۷ تأسیس کردند.

ادریس با حمایت توده‌های مردم، به‌خصوص بربرها، به گسترش و همگانی نمودن اسلام، به‌ویژه آموزه‌های شیعی در مغرب و دیگر مناطق شمال آفریقا اقدام نمود و نهضت فکری خود را از شهر فاس به دیگر مناطق این قاره کهن انتشار داد. ادریسیان به جهت نفوذ در بین بربرها و استقبالی که از آنها شده بود، با وجود نفوذ خوارج، توانستند به‌سرعت آموزه‌های شیعی را ترویج نموده، مطالبه عمومی را از این آیین فراگیر نمایند. (الحاجری، ۱۹۸۳: ۷)

در زمان ادریس، اهل بیت دوستی، در مذهب مالکی مستقر در این سرزمین رسوخ کرد و این مهم، در سلوک و رفتار مردم هویدا شد. تبلیغات ادریسیان باعث گردید که بعدها داعیان اسماعیلیان یمن، مثل: حلوانی و ابوسفیان مکی و بعد از او، ابوعبدالله شیعی، به‌راحتی از فضای محیطی مناسبی که ادریسیان به وجود آورده بودند، در ترویج تشیع اسماعیلی استفاده نمایند. فضای مغرب، به گونه‌ای شده بود که زمانی که ابوعبدالله شیعی به آنجا رفت (۲۸۰ هجری قمری)، آنجا را برای دعوتش مهیا یافت؛ چراکه در آنجا بربرها و بیشتر وزرای اغلیبان، به تشیع روی آورده بودند. (ابراهیم حسن، ج ۲، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

اگرچه پس از فوت ادریس اول، ترویج تشیع و معارف مکتب اهل بیت تضعیف شد، اما ادریس دوم و دیگر حاکمان ادریسی نیز در این امر فعالیت‌هایی داشتند و عمق رسوخ محبت اهل بیت در این کشور تا به امروز، به صورت یک سنت قدیمی، ملی و مذهبی و عاطفی برقرار مانده است. قبور خاندان ادریس، هنوز به صورت امامزاده مورد احترام عامه مردم است و مقبره ادریس اول در فاس، محل زیارت مؤمنان می‌باشد.

۲. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در ایران، علاوه بر تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و اثرگذاری بر جهان اسلام، توانست جایگاه شیعیان را از حاشیه به متن و مرکز ثقل تحولات منتقل نماید و بر جامعه شیعی تأثیرات شگرفی به جای گذارد. شیعیان که قرن‌ها بود به سبب ظلم و ستم خلفای بلاد اسلامی، حاشیه‌گرایی اجباری را اختیار کرده بودند و گاه با تکیه بر اصل تقیه، از بروز افکار و اندیشه‌های خود هراس داشتند، اکنون خود را یافته و بیش از هر زمانی دیگر، احساس هویت می‌نمودند و

قاره سیاه نیز از این قاعده مستثنا نبود. یکی از شاخص‌ترین تأثیرات انقلاب ایران، رسمی شدن و اهمیت یافتن مکتب تشیع در برخی کشورهای آفریقایی از جمله مغرب (مراکش) بود. مغرب که خود، سابقه قدیمی‌ترین دولت شیعی (ادریسیان) را در کارنامه خویش دارد، پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران (۱۹۷۹م)، شاهد به متن آمدن جمعیت شیعی مستقر در این کشور شد. در مغرب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های اسلامی رشد چشمگیری نمودند و با نشانه‌های رشد جنبش‌های اسلامی، پادشاه این کشور جمهوری اسلامی ایران و دیگر گروه‌های اسلامی طرفدار انقلاب ایران را، به توطئه‌چینی متهم کرد و مدعی شد که شورشیان، خواستار برپایی یک نظام اسلامی به سبک و سیاق ایران هستند. (طاهری، ۱۳۸۷: ۱۰) از این رو، با هراس از الگوگیری از انقلاب ایران، سرکوب گروه‌های اسلامی و رهبران آن در این کشور شدت گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت در اعتراض به حضور محمدرضا پهلوی در رباط، سفیر خود را از مغرب فراخواند و دولت مغرب نیز سفیر خویش را از تهران خواند و سطح روابط دو کشور در مهرماه ۱۳۵۸ به سطح کاردار تقلیل یافت؛ ولی با توجه به اندیشه صدور انقلاب اسلامی و استقبال مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان از این پیام الهام‌بخش، رابطه دو ملت هیچ‌گاه قطع نشود و ایران با وجود مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم‌ها، تمام تلاش خود را برای رساندن پیام انقلاب و نشان دادن اسلام واقعی به همه مسلمانان، از جمله مردم مراکش، به کار گرفت و این گونه بود که بسیاری از جنبش‌های سیاسی و مذهبی رونق گرفت و تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد یافت.

شیعیان این کشور پس از انقلاب اسلامی ایران، به انحای گوناگون پیگیر مطالبات خود هستند و با وجود تقيه، اکنون موفق شده‌اند ضمن راه‌اندازی مؤسسات فرهنگی و سیاسی متعدد در شهرهای مختلف، به تبلیغ آیین خود بپردازند و در این راه، بارها با حکومت درگیر شده‌اند. برخی آمارها، حاکی از این است که بیش از ۳ هزار نفر از شیعیان این کشور، تنها به جرم شیعه بودن در زندان‌های این کشور به سر می‌برند. (بی‌نا، الخمیس ۱۶ یولیو ۲۰۰۹)

عمده‌ترین گروه‌های شیعی یا غیرشیعی متأثر از انقلاب اسلامی، عبارت‌اند از: گروه عدل و احسان به رهبری عبدالسلام یاسین، جنبش مجاهدین مراکش به رهبری عبدالعزیز نعمایی، جنبش التوحید و الاصلاح (الیابس، ۱۳۸۸: ۱۳۷)، حرکت بدیل الحضاری، حرکت من اجل الامة، جمعیه الغدیر در شهر مکناس، جمعیه انوار الموده در شهر طنجه، جمعیه التواصل (الحسنی، ۲۹ فروردین ۱۳۸۸: ۵)، جمعیه البصائر و جمعیه الزهراء که برخی از آنها صبغه فرهنگی دارند؛ اما در راستای اهداف انقلاب اسلامی حرکت می‌کنند و در این راه، سختی‌های فراوانی متحمل شده‌اند؛ به طور مثال، عبدالسلام یاسین، رهبر جمعیت عدل و احسان، به جهت ستایش از انقلاب

اسلامی، امام خمینی و تلاش برای تشکیل حزب سیاسی، در سال ۱۹۸۴م دستگیر شد. (دکميجان، ۱۳۷۷: ۳۷) وی در سپتامبر ۱۹۸۷م جمعیت شعار العدل والاحسان را مطرح کرد و پس از آن، جمعیت به نام جماعه العدل والاحسان معروف شد. این جریان، بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی داشت و به همین دلیل، زیر بیشترین فشارهای حکومت قرار گرفت و یا عبدالعزیز نعمانی، رهبر جنبش مجاهدین مراکش که با ایران رابطه بسیار نزدیکی دارد، در سال ۱۹۸۵م در فرانسه ربوده شد. (بی‌نا، ۳۰ بهمن ۱۳۸۷)

۳. شبکه‌های ارتباطی نوین

از دیگر عوامل تروج آیین شیعه در این کشور، شبکه‌های نوین ارتباطی مثل: ماهواره، اینترنت، رادیو و تلویزیون می‌باشد. شبکه‌های: المنار لبنان، العالم، الکوثر، الفرات، الأنوار، رادیو برون مرزی ایران (البرجاوی، ۲۰۰۹/۶/۲۵) و سایت‌های اینترنتی شیعی ایران و عراق که اطلاع‌رسانی را سهل نموده، باعث ارتباط‌گیری با این مراکز شده و توانسته عاملی مؤثر در ترویج این آیین به حساب آید؛ چنان‌که در سال ۱۳۸۸، مقامات مغربی، خبرنگاران شبکه‌های العالم و پرس تی‌وی و المنار را از ادامه کار در این کشور منع کردند که با نگاهی هرچند سطحی به ماهیت و هویت شبکه‌های مذکور، اهداف و نیت مسئولان مغربی هویدا می‌شود. اگر به این موضوع، توزیع کتب و مجلات شیعی مانند: المنهاج، البصائر، قضایا اسلامیه معاصرة، المنطق الجديد، الكلمة، الحیاة الطیبة، فقه آل البيت، روی معاصرة و کتب تیجانی و علامه شرف‌الدین را بیفزاییم، اهمیت تأثیرگذاری این موضوع آشکار می‌شود. علاوه بر این، نباید از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی شیعی که با وجود هجمه فراوان گروه‌های تکفیری و سلفی، توانسته‌اند به‌خوبی ایفای نقش نمایند، غفلت کرد و امروز هزاران سایت و منتدی (کلوپ و انجمن)‌های شیعی در محیط اینترنت وجود دارد که دسترسی به اطلاعات و اخبار را سهل نموده است و حتی خود شیعیان مراکش نیز چندین سایت و پایگاه برای خویش دایر نموده‌اند که از جمله می‌توان: هیئة الشیعة طنجة، العترة الطاهرة لشیعة المغرب، منتدی شیعة کتامة للمغرب العربی، منتدیات شیعة آل البيت المغاربية و چندین سایت دیگر را نام برد.

۴. مستبصرین مغربی

یکی دیگر از عوامل روی آوردن مردم مغرب به آیین تشیع، مستبصرینی هستند که فعالانه در جهت ترویج تشیع گام برمی‌دارند؛ به‌خصوص مستبصرین مغربی که در کشورهای اروپایی مثل: بلژیک، هلند، اسپانیا و انگلستان و کشورهای آسیایی مانند: عراق، لبنان، ایران و سوریه ساکن

هستند. این افراد در هنگام رفت و آمد به کشورشان، کتب و سایر متون تبلیغی شیعی را به کشور آورده، عملاً مبلغ آیین تشیع گشته‌اند. این افراد که در دیگر کشورها آزادانه با جامعه شیعی ارتباط برقرار کرده‌اند، اکنون می‌توانند تجربیات و آخرین اخبار و مواضع شیعیان را به سایر هم‌کیشان خود در کشور منتقل نمایند. در این بین، مستبصرین مغربی مقیم بلژیک، نقش عمده‌ای دارند. (عبدالله، ۲، ۲۵ حزیران یونیو)؛ به طور مثال، در پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز الأبحاث العقائدیة وابسته به دفتر آیت‌الله سیستانی که مشخصات ۴۹ نفر از مستبصرین مغربی سال‌های اخیر و علل شیعه شدن آنها ذکر شده، حدود ۲۰ درصد از آنها صرفاً به جهت تأثیر مستبصرین به آیین تشیع روی آورده‌اند (المغرب/ www.aqaed.com/mostabser/guestbook/) و قاعدتاً این آمار، تنها بخش ناچیزی از مستبصرین را شامل می‌شود که با پذیرش سختی‌های پس از اعلام، این مطالب را منتشر نموده‌اند.

۵. فعالیت مؤسسات فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی مؤسسات و مراکز شیعی متأثر از انقلاب ایران و مقاومت اسلامی لبنان، در تبلیغ آموزه‌های شیعی و فراگیر نمودن این آموزه‌ها در مغرب مؤثر بوده است. اکنون ده‌ها گروه اسلامی، مثل: جماعت عدل و احسان، حركة بدیل الحضاری، حركة من اجل الامة در داخل کشور، جمعیه الرضاء علیهم‌السلام، جمعیه الزهراء، جمعیه الغری و جمعیه الثقلین در بلژیک، مؤسسه فاطمة الزهرا، مرکز اهل‌بیت، مؤسسه الکوثر در هلند و سایر مؤسسات در هامبورگ و برلین و نیز مدارس عراقی‌های مقیم مغرب، به سهم خود در ترویج تشیع نقش قابل توجهی داشته‌اند. (اسباعی، ۲۰۰۹) برای مثال، هر ساله در مراسم نیمه شعبان، ایام عاشورا و سایر مناسبت‌های مذهبی شیعی، تبلیغات خاصی جهت روی آوردن به آیین تشیع در این مراکز به‌خصوص در مؤسسات موجود در بلژیک صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بلژیک را پایتخت شیعیان مغربی می‌نامند و گاه در این مراسم، تا ۳۰ هزار نفر شیعه مغربی شرکت می‌کنند. (الصغیر، ۲۰۱۵)

علاوه بر این، فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی که در قالب سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی شیعه‌شناسی و مجمع جهانی اهل‌بیت شکل می‌گیرد نیز در این امر مهم نقش داشته‌اند. همچنین، از نقش طلبه‌های مراکشی و نیز از فعالیت‌های حوزه علمیه قم و نجف و لبنان که در قالب اعزام مبلغ اقدام به فرستادن مبلغان عمدتاً مراکشی در مناسبت‌های خاص می‌نماید و همچنین، از نقش مؤثر ادريس هانی نیز نباید غفلت کرد.

علاوه بر نقش مؤسسات فرهنگی، عوامل متفرقه دیگری همچون قرابت فرهنگی شیعیان

مراکش با شیعیان لبنان که از دیرباز در شمال آفریقا حضور داشته‌اند، به‌خصوص تجربه درخشان حزب الله لبنان به عنوان یک حزب و جریان شیعی - عربی، نقش بسزایی در هویت‌بخشی و ارتقای جایگاه آنها و به طبع آن، افزایش حس اعتماد به نفس در میان شیعیان لبنان گردیده است. به همین دلیل است که دولت مغرب در سال ۱۳۹۰، مدرسه‌ای به نام مدرسه تکمیلی عراقی را که سی سال سابقه فعالیت در این کشور داشت، در رباط، پایتخت این کشور، تعطیل کرد. دولت مغرب، شیعی بودن متولیان مدرسه و تدریس در آن به شیوه‌هایی خلاف آیین آموزش کشور مغرب را از جمله دلایل تعطیلی این مدرسه اعلام کرده است. همچنین، به بهانه اصلاحات دینی، گروهی از علما و طلبه‌های علوم دینی را که در حوزه‌های علمیه شیعی در ایران، لبنان، عراق و سوریه تحصیل کرده‌اند، بازداشت و فعالیت آنان در مجامع علمی و رسانه‌ای را ممنوع کرد. (www.ahl-ul-bayt.org) این موضوع، اهمیت اقدامات فرهنگی مؤسسات و مدارس علمی را در رواج تشیع در این کشور می‌رساند.

آینده تشیع در مغرب

بدون تردید، آینده شیعه در مغرب، به آینده این آیین در جهان بستگی تام دارد. پس از انقلاب اسلامی ایران، شیعه از انزوا خارج شد و در واقع، به بازآفرینی هویتی دست پیدا کرد و شیعیان شمال آفریقا و مغرب نیز از این قاعده مستثنا نبودند. با نگاهی هرچند سطحی به وضعیت سیاسی - اجتماعی شیعیان در جهان و بالطبع در مغرب و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی آنها، به گونه‌ای ملموس شاهد رشد این آیین در کشورهای مختلف جهان از جمله مراکش و توسعه فعالیت‌های سیاسی و مذهبی آنها می‌باشیم؛ به گونه‌ای که اکنون شیعیان در تمام نقاط، در حال بازیابی هویتی بوده، از جهت جمعیت، تشدید فعالیت‌های سیاسی و مشارکت در سیاست و قدرت و ژئوپلیتیک، در وضعیت مناسب‌تری نسبت به قبل برخوردارند؛ به طور مثال، در مبحث جمعیت، تحقیقی که توسط مؤسسه دین و زندگی در آمریکا منتشر شده، نمایانگر رشد پابه‌پای جمعیت شیعه با اهل تسنن می‌باشد.

Shia Muslim Population Growth in the Four Largest Shia-Majority Countries

Country	ESTIMATED SHIA POPULATION 2010	PROJECTED SHIA POPULATION 2030	ANNUAL GROWTH RATE
Iraq	20,998,000	32,636,000	2.2%
Bahrain	459,000	617,000	1.5
Iran	69,208,000	82,904,330	0.9
Azerbaijan	6,156,000	7,113,000	0.7

Population estimates are calculated as ranges; figures listed are the mid-points of the ranges.

Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life
The Future of the Global Muslim Population, January 2011

Sunni Muslim Population Growth in the Four Largest Sunni-Majority Countries

Country	ESTIMATED SUNNI POPULATION 2010	PROJECTED SUNNI POPULATION 2030	ANNUAL GROWTH RATE
Pakistan	155,834,000	224,103,000	1.8%
Egypt	79,624,000	104,539,000	1.4
Bangladesh	147,864,000	186,568,000	1.2
Indonesia	203,823,000	237,639,000	0.8

Population estimates are calculated as ranges; figures listed are the mid-points of the ranges.

Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life
The Future of the Global Muslim Population, January 2011

«جدول رشد سالانه جمعیت شیعه و سنی»

و یا در بحث مشارکت در قدرت، آن گونه که در عراق، لبنان و بحرین مشاهده می‌شود، شیعه اکنون به عنوان یک قطب قدرت محسوب می‌شود. (بی‌نا، ۲۰۰۸: ۱) به لحاظ ژئوپلیتیکی نیز مهم‌ترین بخش‌های خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس، در اختیار شیعیان است و به تعبیر فرانسوا توال، خلیج فارس از نظر جغرافیای مذهبی، تحت سلطه شیعیان است و یا به قول نوام چامسکی که گفته بود: «از سر یک تصادف جغرافیایی، منابع اصلی نفت جهان، عمدتاً در مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه، یعنی جنوب عراق، مناطق شرق عربستان و ایران قرار دارد.» (Chomsky, 2007, 85) در مغرب نیز شیعیان، تنها به فعالیت در مؤسسات فرهنگی - تبلیغی اکتفا نکرده، بلکه در صدد تأسیس حزب نیز می‌باشند.

تجزیه و تحلیل آینده شیعیان مغرب، بدون نگاه به تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و تأثیر آن بر تحولات این کشور، کاری دشوار است؛ چراکه تحولات اخیر در همان ابتدا، به مغرب نیز سرایت نمود و مخالفان با پیشتازی جنبش ۲۰ فوریه، با برگزاری اعتراضات، مخالفت خویش را به روند حکومت در این کشور نشان دادند. شیعیان نیز طبیعی بود که با توجه به فشار حکومت بر آنها و اعمال محدودیت‌های متعدد، با این موج اعتراض همراهی نمایند و خواستار آزادی زندانیان و اعطای حقوق اساسی خود گردند. حکومت نیز با سیاست چماق و هویج، سعی در کنترل این اعتراضات نمود و با انجام اصلاحات جزئی، رنگ دموکراتیک به خود گرفت.

طبیعی است که نتیجه این تحولات، در بدترین وضع نیز به اقلیت شیعه این کشور برای احقاق حقوق خود کمک خواهد نمود؛ هرچند شیعیان در این راه موانعی نیز در پیش رو دارند که یکی از آنها، شیعه‌هراسی است. منشأ عمده شیعه‌هراسی، سلفی‌ها و تکفیری‌ها می‌باشند که با مشاهده رواج تشیع و استقبال جوانان مغربی از آن، به سیاه‌نمایی و تبلیغ علیه تشیع، به‌ویژه تشیع سیاسی روی آورده‌اند. (<http://www.shia-news.com>) آنها در این راه، از هیچ کوششی

فروگذار نمی‌کنند و گاه ترس خود را نیز از روی آوردن جوانان به شیعه ابراز داشته‌اند. دکتر غنیمان، استاد دانشگاه مدینه که ۱/۵ میلیون دانشجو دارد، می‌گوید: «نحن الوهابیین علی یقین بأن المذهب الإثنتی عشری هو الذی سوف یجذب إلیه کل أهل السنة و کل الوهابیین فی المستقبل القریب؛ ما وهابی‌ها یقین پیدا کرده‌ایم تنها مذهبی که در آینده بسیار نزدیک، همه اهل سنت و وهابیت را به طرف خودش جذب می‌کند، مذهب شیعه اثنا عشری است.» (یحیی العماد، ۲۰۰۲: ۱۷۸)

پس از تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا، یک سرگردانی ایدئولوژیک در جهان اسلام حکمفرما شده و پیروان افکار تکفیری با مشاهده تناقضات در رفتار پادشاهان و امرای خود که گاه به بن‌بست فکری در فقه آنها ارتباط دارد، دچار سرگردانی محسوسی شده‌اند. این موضوع، فرصتی برای ترویج شیعه می‌باشد تا شیعیان مراکش به دور از تنگناهای سال‌های اخیر، با تشکیل تشکل‌های مردم‌نهاد (ان‌جی‌او) و مدد از وسایل نوین ارتباطی، در گسترش این آیین بکوشند؛ به‌خصوص اینکه ریشه‌های عمیق فرهنگی به‌جای مانده از دوره‌های حاکمیت ادریسیان و فرهنگ شفاهی برجامانده از آن دوران، زمینه و ظرفیت مناسبی برای شیعیان آن کشور محسوب می‌شود.

نتیجه

بررسی مطالعات پیرامون شیعیان مراکش (مغرب عربی)، نشان‌دهنده رسوخ باورهای این آیین در فرهنگ شفاهی مردم این کشور دارد و به دلیل اینکه بخشی از هویت تاریخی این کشور به ادریسیان به عنوان نخستین دولت شیعی اختصاص دارد، طبعاً این عامل می‌تواند کاتالیزر مناسبی جهت فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی باشد؛ هرچند به دلیل باز بودن بستر تبلیغاتی برای عربستان سعودی، فعالیت‌های وهابیت نیز در این کشور شدت پیدا کرده است. آنچه به عنوان دستاورد این نوشتار به حساب می‌آید، این است که در بررسی سیر تطور تاریخی تشیع در مغرب عربی، قریب به دو قرن حکمرانی ادریسیان، انقلاب اسلامی در ایران، رسانه‌های نوین، مستبصرین و فعالیت مؤسسات فرهنگی و تبلیغی، مهم‌ترین عامل ماندگاری، تداوم و تزاید تشیع در این کشور می‌باشد. اگرچه ممکن است محدودیت‌های قائل شده برای شیعیان عرب در حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای عربی در این کشور نیز نمایان باشد، اما برای آینده شیعیان این کشور به دلیل ارتباط مستمر با شیعیان عرب در لبنان و عراق و تأثیرات بیداری اسلامی، چشم‌انداز خوبی قابل ترسیم است؛ به‌خصوص اینکه فشارهای گوناگون اجتماعی و تبلیغاتی گروه‌های سلفی و افراطی پس از تحولات اخیر جهان اسلام، شرایط را جهت اتحاد، همبستگی و رشد و بالندگی بیشتر آنان فراهم نموده است.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن، (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی اسلام، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن واضح یعقوبی، (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسباعی، عبدالحکیم، (۲۰۰۹)، حقیقة الاختراق الشیعی للجالیه المغربیه المقیمه بأوروبا، ستار تایمز.
- اسماعیل، محمود، (۱۳۸۳)، ادیسیان؛ یافته‌های جدید، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: انتشارات باز.
- البرجاولی، مصطفی، (۲۰۰۹)، «تاریخ التشیع فی المغرب الإسلامی بین الأمس والیوم»، در سایت www.alukah.net/sharia/0/6396
- الحاجری، محمدطه، (۱۹۸۳)، مرحلة التشیع فی المغرب العربی و اثرها فی الحیاة الادبیة، مغرب: دار النهضة العربیة.
- الحسنی، عصام (۲۹ فروردین ۱۳۸۸)، «نگاهی به جایگاه تشیع در مغرب؛ سیاسی شدن امری مذهبی»، پگاه حوزه، شماره ۲۵۲.
- السعدانی، عبداللطیف، (۱۳۵۰)، «حركة التشیع فی المغرب و مظاهرها»، الموسم، ۱۳۵۰، شماره ۵۹۲ و ۵۹۳، ص ۱۸۵ تا ۱۹۳.
- الصغیر، ابراهیم، (اللاثین ۱۹ أكتوبر ۲۰۱۵)، بلجیکا بوابة الاختراق الشیعی للمغرب، هویة بریس.
- الیابس، جمال (۱۳۸۸)، پایان‌نامه «جنبش‌های اسلامی مراکش و مشارکت سیاسی توحید و اصلاح - عدل و احسان»، تهران: دانشگاه تهران.
- الشرطا، عبدالنبی، (۲۰۱۱)، «الشیعة والتشیع فی المغرب؛ حالة طبیعیة أم ظاهرة عابرة؟»، مغرب: جريدة الوطن.
- ام کوک، ژوزف، (۱۳۷۳)، مسلمانان آفریقا، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.

- بی‌نا، (۹ فروردین ۱۳۸۸)، «اخبار شیعیان»، شماره ۴۱، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- بی‌نا، (۱۷ شهریور ۱۳۸۷) «اخبار شیعیان»، شماره ۳۴، سال چهارم، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- بی‌نا، (الخمیس ۱۶ یولیو ۲۰۰۹)، اعتقالات تعسفیة لشیعة المغرب وتخوف من أنتشار التشیع فی بلاد المغرب العربی، الوكالة الاسلامیة.
- بی‌نا، (۲۰۰۸/۰۷/۲۲)، «المرجع الشیعی بالمغرب یعترف بولائه لحزب الله ویدعو لإقامة دولة علویة فی البلاد»، جریدة الشروق الیومی.
- بی‌نا، (۲۰۰۸/۰۷/۲۴)، «رؤی معاصرة أول جریدة شیعیة بالمغرب»، مغرب: جریدة مغرس.
- بی‌نا، (بهمن ۱۳۸۷)، «تأثیر انقلاب اسلامی در جنبش‌های اسلامی جهان»، مجله امید انقلاب، شماره ۳۹۸.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۷)، *اطلس شیعه*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- دکمیجان، هرایر، (۱۳۷۷)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- سختوتی، نصرالله، (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر شمال آفریقا، قم: بوستان کتاب.
- شهیدی پاک، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی مغرب، قم: مرکز بین‌المللی نشر جامعه المصطفی العالمیة.
- طاهری، مهدی، (بهمن ۱۳۸۷)، «انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام»، پگاه حوزه، شماره ۲۴۹.
- عباس نصرالله، سعدون، (۱۹۸۷)، دولة الأدرسة فی المغرب، بیروت: دار النهضة العربیة.
- عبدالله، مصطفی، (۲۵ حزیران یونیو ۲۰۰۹)، «قلق وسط مغاربة بلجیکا من انتشار التشیع بین أبنائهم»، لندن: جریدة الشرق الأوسط.
- غریب‌پور، حمیدرضا، (۱۳۸۴)، «گپی با مستبصر مغربی»، ماهنامه پرسمان، شماره ۳۸، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- مکی، محمودعلی و عزالدین عمر موسی، (۱۳۷۶)، تشیع در اندلس، ترجمه رسول جعفریان، تهران: انتشارات انصاریان، چاپ اول.
- ناصری طاهری، عبدالله، (۱۳۷۵)، مقدمه بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.

۱۲۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

واعظزاده خراسانی، محمد، (۱۳۸۰/۴/۳۱)، «جایگاه اهل بیت در جوامع اسلامی»، روزنامه جمهوری اسلامی.

یحیی العماد، عصام علی، (۲۰۰۲)، المنهج الجديد و الصحيح فی الحوار مع الوهابیین، قم: مؤسسه الفکر الإسلامی.

The Daily Star, Morocco clamps down on Shiites, gays in newly launched 'morality campaign', March 25, 2009.

chomsky noam,(2007),"intervention", city light, pages 163.

www.hespress.com/permalink/14606.html.

<http://pewforum.org/The-Future-of-the-Global-Muslim-Population.aspx>

www.cia.gov/library/publications/the-world

<http://sarallah.valiasr-aj.net/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000011216>

www.ahl-ul-bayt.org/fa.php/page,html5164a4674

www.islam4u.com.almojib_show.php?rid=796

<http://www.shia-news.com>.

www.aqaed.com/mostabser/guestbook/المغرب/

<http://thesis.ui.ac.ir/abstracts/itr/tweive242.htm>.

<http://assabah.ma/76071.html>

<http://al-3itra.ahlamontada.net/login>